

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان

مرکز تعلیمی افغانستان

مدیریت نصاب

عقاید و فقه

برای صنف پنجم


لا اله الا الله محمد رسول الله

عقاید شریف

برای

صنف پنجم

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمْ

رَبِّ زِدنی عِلمًا

قال صلی اللّٰه علیہ وسلم :

(فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم)

رَضِیتُ

راضی هستم

بِاللهِ رَبًّا وَ

که الله پروردگار ما است و

بِالإسلامِ دِیناً وَ

اسلام دین ما است و

بِمحمّدٍ نَبیّاً وَرَسولاً

محمد (صلی الله علیه وسلم) نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله الکریم

یرفع الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات

جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خداوند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است.

از فحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته و بالاتر از علم و دانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم و تربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقرا باسم ربک الذی خلق) میباشد بهمین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات، و حقوق بشری در لابلای تعلیم و تربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما رهروان راه وحدانیت در دشوار ترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی در مقابل تصمیم و اراده مقدس و خلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف از قبیل قتل عام، زنده به گور کردن چور و چپاول به آتش کشیدن مزارع و خانه ها تخریب و انهدام مساجد شریف مدارس و اماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیز ما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست و بس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انزجارشان.

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب‌العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوافی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمائیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دونوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرّای محمدی و مذهب مهذب حنفی مغایریت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، ومدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهند که مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینمایند

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلف به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلف دو اتحاد اسلامی را که قبلا طرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرا با در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلف درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلف طبع شده بود مقایسه نموده مطالب وعناوینی را که از نقطه نظر سطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم و تربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

السلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست عناوین عقاید شریف

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور بطور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقُ))

بسم الله الرحمن الرحیم

أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

سورهٔ انبیاء آیهٔ ۳۰

ایمان

ایمان در لغت بمعنای یقین و باور کردن است . و در اصطلاح علم عقاید عبارت از «اقرار باللسان و تصدیق بالقلب» است یعنی اقرار کردن بزبان و باور کردن بدل را ایمان میگویند .

و مؤمن، کسی راگویند که آنچه را آنحضرت «ص» از جانب خداوند «ج» آورده است بدل تصدیق و قبول نموده و برزبان اقرار نماید .

اگر کسی بزبان اقرار نماید مگر بدل تصدیق و قبول نکند مؤمن نیست بلکه منافق گفته می شود و همچنین معرفت «تصدیق در دل» به تنهائی بدون اقرار بزبان ایمان گفته نمی شود .

واگر مسلمانی به صدق و خلوص کامل ایمان دارد و دلش بر آن مطمئن باشد ولی از روی جبر و اکراه کلمهٔ[1] کفر را بزبان جاری نمود چنین شخص کافر نبوده بلکه مؤمن است .

و مؤمنان در اصل ایمان باعتبار مؤمن به[2] مساوی اند زیرا که اصل ایمان زیادت و نقصان را قبول نمی نماید مگر نظر به اعمال بعضی آنها

(۱) اما مقام بلند تر آنست که مرگ را قبول کند و چنان کلمه را اظهار ننماید .
(۲) آنچه که رسول صلی الله علیه وسلم از نزد خدا جلّ جلاله آورده است .

بر بعضی دیگر فضلت دارند و اعمال در ایمان داخل نیست و مؤمن به کردن گناه[1] کافر نمی شود اگرچه گناه کبیره باشد بلکه بکردن گناه کبیره گناه کار و فاسق میگردد و اگر آنرا احلال بداند کافر شمرده میشود

---

(۱) وعن انس رض، قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : ثلث من اصل الایمان — الکف عمن قال لا اله الا الله لا تکفره بذنب ولا تخرجه من الاسلام بعمل والجهاد ماض منذ بعثنی الله الی ان یقاتل آخر هذه الامة الدجال لا یبطله جور جائر ولا عدل عادل والایمان بالاقدار رواه ابو داؤد .

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : سه چیز از اصل ایمان است .

۱ - عدم تعرض به کسیکه میگوید : لا اله الا الله کافر مگو اورا به گناه کردن و خارج مکن اورا از اسلام بیک عمل (به عمل بدی) .

۲ - و جهاد جاری است از وقتیکه مبعوث گردانیده مرا خدا ج تا آنزمانیکه جنگ می کند آخر این امت با دجال و باطل نمیکند آنرا ظلم ظالم و عدل عدالت کننده .

۳ - و ایمان است به تقدیرات خدا ج .

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ (۱)

سورهٔ اعراف آیه ۱۷۲

ایمان فطری و ایمان کسبی

وقتیکه خداوند «ج» آدم «ع» را آفرید و ذریهٔ وی را از پشتش مانند مورچه های کوچک خلق نمود به ایشان خطاب فرمود : آیا من پروردگار شما نیستم همه بیک آواز گفتند : آری بیشک تو پروردگار ما هستی که این اقرار را (عهد میثاق) میگویند .

---

(۱) وچون گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم «ع» از پشت های ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفسهای شان (گفت) آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواه شدیم تا نگوئید روز قیامت بدرستی که ما بودیم از این بیخبران .

بنابراین هر انسانیکه تولد می شود دارای همین ایمان بوده وآنرا ایمان فطری می نامند چنانچه پیغمبر «ص» فرموده اند[1]: هر مولود تولد میشود بر فطرت (ایمان فطری) پس پدر و مادرش اورا یهودی یا نصرانی ویا مجوسی می سازند.

ایمان کسبی: ایمان کسبی ایمانی است که به کسب بنده تعلق دارد. پس کسیکه به اختیار خود بعد از بلوغ ایمان آورد به تحقیق ثابت ماند بر ایمان فطری و اگر کسی کافر شد در حقیقت ایمان فطری را به اختیار خود به کفر بدل کرده است.

---

(۱) عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: ما من مولود الا یولد علی الفطرة فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه متفق علیه مشکوٰة. ط۲۱

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا

گفتند اعراب ایمان آوردیم بگو ایمان به حقیقت نیاوردید ولیکن بگوئید منقاد شده ایم

سوره حجرات آیه ۱۴

فرق بین ایمان و اسلام

فرق بین ایمان و اسلام از طریق لغت است نه از لحاظ تحقیق

زیرا که ایمان لغتاً: عبارت از تصدیق (۱) است.

و اسلام لغتاً: عبارت از تسلیم (۲) است.

---

(۱) محل آن قلب و ترجمانی آنرا زبان میکند.

(۲) (محل آن قلب، زبان و اندام ها) که به هریک از تصدیق قلب، اقرار بزبان وعمل اندام ها لفظ اسلام صادق می شود.

چنانچه به منافق ظاهراً مسلمان گفته میشود زیرا که در ظاهر خود را مسلمان معرفی می کند مگر در باطن مسلمان نیست زیرا بدل تصدیق ندارد.

و در حقیقت ایمان بدون اسلام و اسلام بدون ایمان موجود نمیشود زیرا که ایمان عبارت است از اقرار و تصدیق به الوهیت خدا ج.

و اسلام عبارت است از تسلیم و گردن نهادن به اوامر الله جل جلاله.

چون اقرار و تصدیق بدون تسلیم و تسلیم بدون تصدیق و اقرار موجود نمیشود پس معلوم گردید که در میان تحقیق ایمان و اسلام تلازم است.

وهیچگاه شده نمیتواند که یک شخص مسلمان باشد ومؤمن نباشد
یامؤمن باشد ومسلمان نباشد بلکه شخص مسلمان مؤمن است وشخص
مؤمن مسلمان است .

تمرین

۱ - معنای لغوی و اصطلاحی ایمان را بیان کنید.

۲ - اگر کسی بزبان اقرار نماید و بدل تصدیق نکند چه برایش گفته می شود ؟

۳ - ایمان فطری کدام ایمان را میگویند ؟

٤ - ایمان کسبی را تعریف نمائید.

۵ - فرق بین ایمان و اسلام چه است ؟

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝
و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه بشناسند مرا (۱)
سورهٔ الذاریات آیه ۵۶

معرفت الله (ج)

تعریف معرفت : معرفت در لغت به معنی علم است .
و در اصطلاح عبارت است از علم داشتن به اسماء و صفات الله جل جلاله با تصدیق نمودن خداوند «ج» را در معامله اش .(۲)

تعریف یقین : یقین در لغت به معنی علمی است که بدون شک باشد .

---

(۱) ترجمهٔ مذکور جهت مناسبت مقام از تفسیر روح البیان نقل کرده شده است .
(۲) یعنی خداوند «ج» صادق می باشد در معاملهٔ خود با بندگان .

ودر اصطلاح دیدن ذوات است به قوهٔ ایمان - که تمام آنها ساخته شدهٔ خدا است .

ویقین را سه مرتبه است :

۱ - علم الیقین : علم الیقین عبارت است از آنچه که حاصل می شود از فکر و نظر .

۲ - عین الیقین : عین الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از دیدن و معاینه کردن .

۳ - حق الیقین : حق الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از اجتماع هردو (فکر و دیدن) .

مرتبهٔ اول عوام علماء را ، دوم خواص علماء و اولیاء را و سوم انبیاء علیهم السلام را است .

مگر تمام مؤمنین در نفس معرفت ویقین برابر میباشند .

نوت :

۱ ـ بشناسیم خدا جل جلاله را به معرفت حق اشش طوریکه به آن مارا مکلف ساخته است وچنانچه خود را صفت کرده است به تمام صفات خویش وآنچه از اسماء نیک او درقرآن کریم وحدیث شریف ثابت شده است .

۲ ـ قدرت نداریم بمعرفت ذات خدا ج . چنانچه گفته میشود "مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ" (نه شناخته ایم ترا به شناسائی حق تو)

۳ ـ معرفت و اطاعت خدا ج . ازطریق شریعت لازم است .

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ○

آیا ندیدی چگونه بیان کرده خدا داستانی را ساخت سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که بیخش استوار باشد و شاخش در آسمان

"سوره ابراهیم آیه ۲۴"

اولین بناء اسلام

کلمهٔ طیبه : لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ؐ اولین بناء از پنج بناء اسلام است که در حصهٔ اول آن ذکر توحید و در حصهٔ دوم آن ذکر رسالت است.

توحید : توحید عبارت است از وحدانیت خداوند "ج" که شریک و مثل ندارد صمد، قدیم، ازلی، ابدی، ظاهر و باطن است و بر این عقیده داشتن است که ذات او تعالی از جسم، جوهر، عرض، حد و مقدار پاک است و به علم، اراده، سمع، بصر

کلام ، حیات ، قدرت ، خالقیت و تمام صفات کمال متصف است .

رسالت : رسالت عبارت است از آنچه که انبیا علیهم السلام از جانب خداوند ج آورده اند .

خداوند ج ، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را به تمام عرب ، عجم ، جن و انس مبعوث کرده اند و شریعت او را بر جمله شرایع دیگر برگزیده و او صلی الله علیه وسلم را بر تمام انبیاء علیهم السلام فضیلت و برتری داده سردار تمام بشر ساخته است . پس تنها به عقیده لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ شخص مؤمن نمیشود تا که با آن مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ را قبول نکند بنابراین هر دو جمله کلمه طیبه

۱ ـ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ

۲ ـ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ

بناء اولین اسلام است .

قالت رسلهم أفي الله شك فاطر السموات والأرض

گفتند پیغمبران ایشان آیا در خدا شبهه است آفریننده آسمانها و زمین

سورهٔ ابراهیم آیهٔ ۱۰

دلائل عقلی بوجود خدا «ج»

شاگردان عزیز! اگر به مدرسهٔ خویش متوجه شوید، درین مدرسه اطاق ها، دروازه ها، کلکین ها و دیگر اشیا را دیده می توانید. اگر بشما گفته شود که این خشت و سنگ خود بخود باهم یکجا و دیوار از آن ساخته شده یا اینکه دروازه ها و شیشه ها خود بخود ساخته شده، میز و چوکی که شما بر آن نشسته اید و درس میخوانید خود بخود بدون کدام نجار ساخته شده است. یا این مدرسه بدون کدام

مهندس و معمار به این نظم و ترتیب بمیان آمده، آیا شما باین سخن تصدیق و عقیده خواهید نمود ؟ نه ! هرگز نه چرا که دروازه میز، چوکی بدون نجار و مدرسه بدون معمار موجود نمیشود پس هرگاه یک تعمیر کوچک بدون نجار و معمار به میان آمده نمیتواند. چطور آسمانها، زمین، آفتاب، مهتاب، انسانها، حیوانات و دیگر مخلوقات بدون پیدایش توسط یک ذات حکیم، خالق و صانع بمیان آمده باشد ؟

پس ثابت گردید که تمام موجودات در وجود خود به خالق و صانع محتاج اند و خالق و صانع آنها ذات خداوند حکیم است.

دلیل امام اعظم ابوحنیفه "رح" بر وجود خدا جل جلاله

می گویند در زمان حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه شخصی بود که از وجود خداوند "ج" انکار می نمود و میگفت که: (این مخلوقات خود بخود پیدا گردیده) حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه و شخص منکر باهم وعده نمودند که فردا بوقت معین غرض مباحثه بجائی جمع خواهیم شد فردا حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه از وقتیکه آنرا تعین نموده بودند قصداً اندکی دیرتر بجائی مباحثه آمد در حالیکه دهری و بسیار مردم در آنجا به انتظار او بودند.

دهری به امام اعظم رحمة الله علیه گفت چرا بوقت وعده شده نرسیدی؟
امام اعظم "رح" گفت: در وقت آمدن من در کنار دریای دجله ناگهان

درختی خود بخود اره شد، تخته ها از آن ساخته و به ترتیب خوب باهم
یکجا و یک کشتی ساخته شد . کشتی مذکور بدون کشتیبان از
دریای دجله می گذشت و خود بخود از طعام و متاع پر می شد و باز
میگردید خود ایستاده و خالی می شد و باز رجوع میکرد بدون اینکه
شخصی او را تدبیری می کرد من از واقعهٔ مذکور بسیار تعجب نمودم و
و در حیرت ماندم

دهری در مقابل این سخن امام اعظم «رح» بآواز بلند خندیده گفت
(این سخن محال است و امکان ندارد) .
امام اعظم «رح» فرمود : هرگاه یک کشتی کوچک خود بخود ساخته
نمیشود و از دریا گذشته نمیتواند ، آیا این کارخانهٔ بزرگ
جهان چطور خود بخود بمیان خواهد آمد و باین نظم جریان خواهد داشت .

به شنیدن این سخن امام اعظم «رح» شخص منکر از وجود خداوند «ج» بطور کلی ملامت گشت وهمه حاضرین بر او خندیده واز وی نفرت نمودند.

تمرین

۱ - توحید عبارت از چه است ؟

۲ - رسالت را توضیح نمائید.

۳ - برای اثبات وجود خداوند «ج» یک دلیل عقلی بگوئید.

۴ - حضرت امام اعظم ابو حنیفه «رح» وجود خداوند «ج» را بکدام دلیل ثابت نمود ؟

صفات خداوند «ج»

صفات خداوند «ج» بدو قسم اند :

۱ - صفات ذاتی .

۲ - صفات فعلی .

صفات ذاتی : صفات ذاتی عبارت از آن صفاتی اند که خداوند «ج» به آنها متصف است و به ضد آنها موصوف نمیشود و از ذات او هیچگاه انفکاک نمی یابند مانند علم که ضد آن جهل است.

صفات ذاتی خداوند «ج» هفت اند که قرار ذیل شرح میشوند :

۱ - **حیات** (زنده بودن) : این صفت خداوند «ج» ازلی وقدیم است که او تعالی همیشه زنده بوده و می باشد و بضد آن

که مرگ است موصوف نمیشود .

۲ ـ **قدرت** (توانائی) : خداوند «ج» قادر است بقدرت ازلی خویش بر هر آنچه که اراده کند آنرا کرده میتواند مثلاً قدرت دارد که زنده را بمیراند و مرده را زنده کند . ضعیف را قوی سازد وقوی را شکست دهد ، شخصی را مغفرت کند و شخصی را عذاب دهد و خداوند «ج» به ضد قدرت که عجز است موصوف نمیشود .

۳ ـ **علم** (دانستن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» علم است یعنی او تعالی عالم است به تمام موجودات ، ذره در عالم هستی از علم او «ج» خارج نیست از اسرار دلهای مردم باخبر است به نفاق منافق ، ایمان مؤمن ، جهاد مجاهد ، اخلاص بنده مخلص و خیانت خائن علم دارد و این صفت او تعالی نیز قدیم و ازلی است و بضد او

که جهل است موصوف نمیگردد .

۴ ـ **کلام** (سخن گفتن) : یکی از صفات ذاتی خداوند«ج» کلام است یعنی خداوند«ج» متکلم است بدون آلات وحروف و کلام او تعالی مانند کلام مخلوقات نیست زیرا که آنها بدون آلات و حروف سخن گفته نمیتوانند و خداوند«ج» به ضد کلام که گنگ بودن است ـــ موصوف نمیشود وقرآنکریم کلام ازلی خداوند«ج» است

۵ ـ **سمع** (شنیدن) : یکی از صفات ذاتی خداوند«ج» سمع بوده یعنی الله تعالی سمیع است تمام آوازها وسخنان آهسته وبلند ، سخنهای نیک و بد مخلوقات را به سمع ازلی خود می شنود به سخنان نیک آنها راثواب وبه سخنهای بد آنها را عذاب میدهد .
وخداوند«ج» بضد سمع که صمم (کر بودن) است موصوف نمیشود

۶ - بصر (بینائی) : یکی از صفات ذاتی خداوند "ج" بصر است یعنی خداوند "ج" بینندهٔ تمام مخلوقات است و از دیدن وی هیچ چیزی پوشیده و بیرون نیست ، رفتار مورسیاه را در شب تاریک بر سنگ سخت می بیند اگر کسی در شب تاریک دزدی یا گناه دیگر کند آنرا می بیند و جزا میدهد و اگر کسی در شب تاریک جهاد کند و یا نماز تهجد بخواند آنرا نیز می بیند و ثواب میدهد . این صفت خداوند "ج" قدیم است وضد آن عمی (نابینائی) است که به آن موصوف نمیشود

۷ - اراده (خواستن وقصد کردن) : یکی از صفات ذاتی خداوند "ج" اراده است یعنی هر چیزی که پیدا شده یا پیدا میشود به ارادهٔ اوست و هیچ چیزی در دنیا و آخرت ، از خیر ، شر ، خورد

کلان ، کم ، زیاد ، فایده و نقصان بدون ارادهٔ خداوند «ج» موجود نمیشود .

صفات فعلی : صفات فعلی عبارت از آن صفاتی اند که خداوند «ج» به آنها متصف است و بضد آنها هم موصوف میشود مانند غضب که ضد آن رحمت است خداوند «ج» موصوف به صفت رحمت می گردد . و صفات فعلی خداوند «ج» زیاد است که بطور مثال:

۱ - **تخلیق** (آفریدن) : خداوند «ج» پیدا کنندهٔ زمین ، آسمانها جنت ، دوزخ ، شب ، روز و خالق تمام مخلوقات است هر چیزی را که خداوند «ج» بخواهد پیدا کرده می تواند و ضد تخلیق پیدا نکردن است اگر خداوند «ج» پیدا کردن چیزی را نخواهد آنرا پیدا نمیکند .

۲ - ترزیق (رزق دادن) : یکی از صفات فعلی خداوند «ج» ترزیق است یعنی الله جل جلاله روزی دهندهٔ تمام مخلوقات است از روی حکمت و امتحان خویش شخصی را رزق و روزی زیاد میدهد و بر دیگری رزق خود را کم می سازد که کدام یکی از آنها شکرگذاری مینماید وکدام یکی ناشکری میکند .

وضد ترزیق روزی ندادن است اگر خدا «ج» بخواهد شخصی را روزی ندهد میتواند و اختیار دارد .

۳ - احیاء (زنده نمودن) : یکی از صفات فعلی خداوند «ج» احیاء است یعنی خداوند «ج» بر زنده کردن هر چیز قادر است . وتمام چیزهائیکه در دنیا زندگی دارند به آنها الله جل جلاله حیات داده است وتمام مردم را روز قیامت زنده می کند .

وضد احیاء إماتة (میرانیدن) است اگر الله «ج» اراده میرانیدن کسی را کند آنرا می میراند.

۴ - اعزاز (عزت دادن): یکی از صفات فعلی خداوند «ج» اعزاز است هر که را بخواهد عزت میدهد و کسی را که خداوند عزت دهد عزت او را هیچ کسی به ذلت تبدیل کرده نمیتواند.

وضد اعزاز، اذلال (خوارگردانیدن) است اگر شخصی را الله «ج» ذلیل گرداند آنرا کسی عزت داده نمیتواند عزت وذلت هردو از جانب خدا «ج» است.

لیس کمثله شیء ج
نیست مانند او (خدا «ج») چیزی
سورهٔ شوری آیهٔ ۱۱

فرق بین صفات خالق ومخلوق

فرق بین صفات خالق و مخلوق اینست که تمام صفات الله تعالی ذاتی باشد یا فعلی، قدیم و ازلی است وصفات مخلوق این چنین نیست بلکه مخلوق و صفات آن تماماً حادث و پیدا کرده شده خدا«ج» اند. مثلاً خداوند«ج» عالم است، علم او مانند علم بندگان نیست زیرا که علم او تعالی قدیم، ازلی، محیط و غیر مخلوق است و علم مخلوق این چنین نیست بلکه علم آنها حادث

و پیدا کرده شده الله «ج» است.

و علم خداوند «ج» بدون آلات و اسباب است و علم مخلوق بدین گونه نیست.

همچنین تمام صفات الله «ج» با صفات مخلوق مشابهت ندارند چنانچه ذات الله «ج» با ذات مخلوق مشابه نیست.

تمرین

۱ - صفات ذاتی خداوند«ج» را تعریف نمائید.

۲ - علم از کدام قسم صفات الله«ج» است؟

۳ - اراده را تعریف نمائید.

۴ - صفات فعلی الله جل جلاله را تعریف نمائید.

۵ - احیاء از کدام قسم صفات خداوند«ج» است؟

خداوند(ج) جسم، جوهر و عرض نیست

خداوند(ج) جسم نیست: زیرا جسم عبارت است از آنچه که دارای طول، عرض و عمق باشد.

و هر جسم تقسیم را قبول مینماید و هر آنچه تقسیم را قبول مینماید مُحْدَث (پیدا کرده شده) میباشد و هر مُحْدَث (پیدا کرده شده) محتاج مُحْدِث (پیدا کننده) میباشد و احتیاج صفت مخلوق است نه صفت خالق پس معلوم شد که خداوند(ج) جسم نیست.

خداوند(ج) جوهر نیست: زیرا که جوهر(۱) محل عوارض و حوادث است و او(ج) تعالی ازین صفت که محل عوارض باشد منزه است.

---

(۱) عبارت است از آنچه که قایم به ذات خود باشد مانند لوح.

خداوند(ج) عرض نیست :

زیراکه عرض عبارت است از آن چیزیکه بذات خود قایم نبوده بلکه در وجود خود محتاج به غیر میباشد و خداوند تعالی از احتیاج منزه است .

خداوند«ج» از جهت و مکان منزه است

خداوند جل جلاله از جهت و مکان منزه است زیرا هر آنچه را جهت و مکان باشد حادث می باشد و خداوند «ج» از حدوث منزه است

نوت : اقرار میکنیم که خداوند «ج» بر عرش استوی بلا کیف کرده طوریکه به شان او تعالی مناسب است و آیهٔ کریمهٔ (الرحمن علی العرش استوی) از آیت های متشابهات است یعنی آیت هائیکه بر معنی آنها غیر از خداوند «ج» کسی دیگری علم ندارد .

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا

اگر بودی در آسمان و زمین معبودانی سوای خدا ج هر آئینه هر دو تباه شدندی

سورهٔ انبیاء آیه ۲۲

خداوند ج مثل و شریک ندارد

خداوند ج، یکی است هیچ شریک و مثل ندارد، هیچکس مشابه و مساوی او نیست و نه کسی در مقابل او واقع است که با وی مقابله یا مخالفت کند خداوند ج، در قرآن کریم فرموده است (اگر بودی در آسمان و زمین معبودانی سوای خدا ج، هر آئینه هر دو تباه شدندی).

و دلیل عقلی بر آن اینست : اگر عیاذاً بالله دو خدا می بود و یکی آنها ارادهٔ کردن یک کار را میکرد و دو هم به موافقت او مجبور

می بود پس واضح است که دوهم عاجز و بی قدرت بوده و اگر
فرض کنیم که دو هم به مدافعه و مخالفت اول قادر می بود پس
دوهم قادر و غالب بوده و اول ضعیف و ناتوان. و ذات ضعیف
و ناتوان خدا نیست پس معلوم
گردید که خداوند ج "مثل و شریک ندارد . همچنین اگر عیاذاً بالله
دو خدا باشد و هردو اتفاق نمایند باز هم نظم و نسق دنیا برهم میخورد زیرا
که امکان اختلاف موجود است و امکان اختلاف نیز منافی
الوهیت می باشد !

تمرین

۱ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل جسم نیست ؟

۲ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل از جهت و مکان منزه است ؟

۳ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل مثل و شریک ندارد ؟

لَا يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۝

نافرمانی نمی کنند خدا را در آنچه فرموده است ایشان را ومیکنند آنچه حکم میشود به ایشان

سورهٔ التحریم آیهٔ ۶

ملائکه

یکی از اموری که مسلمان باید به آن ایمان داشته باشد ملائکه است. ملائکه اجسام نورانی اند که به اشکال مختلفه متشکل میشوند، هرگز خداوند «ج» را نافرمانی نمیکنند به مرد بودن وزن بودن متصف نیستند از جملهٔ فرشتگان چهار فرشته مقرب اند

۱ - حضرت جبرئیل علیه السّلام ۲ - حضرت میکائیل علیه السّلام

۳ - حضرت عزرائیل علیه السّلام .

۴ - حضرت اسرافیل علیه السّلام .

وظائف عمدهٔ ملائکه

جبرئیل علیه السّلام : وحی رساندن به پیامبران .

میکائیل علیه السّلام : روزی رساندن به مخلوقات .

عزرائیل علیه السّلام : قبض کردن روح مخلوقات .

اسرافیل علیه السّلام : دمیدن در صور .

با دمیدن اوّل در صور روح همهٔ موجودات زنده قبض میشود .

با نفخهٔ صور دوم روح همهٔ آنها به بدن شان باز می گردد .

بعضی از فرشتگان به پاسداری انسانها و برخی به نوشتن نامهٔ اعمال انسانها مصروف میباشند. برای هر انسان دو فرشته موظف اند، که یکی از ایشان اعمال نیک و دیگری اعمال ناشایسته او را در دفتر عمل نامه اش ثبت می کند.

عدهٔ از فرشتگان باستقبال نیکوکاران در بهشت - و عدهٔ به تعذیب گنهکاران در دوزخ مصروف اند.

تمرین

۱ - ملائک کدام قسم اجسام اند ؟

۲ - ملائک مقرب چند است نام هریک راگوئید

۳ - وظائف عمدهٔ ملائک مقرب راشرح دهید .

۴ - برای نوشتن اعمال هر انسان چند ملک مقرر است

کتب آسمانی

ما ایمان داریم که همه کتاب ها و صحیفه هائیکه از طرف خداوند «ج» توسط جبرئیل امین «ع» به پیغمبران نازل گردیده حق اند.

تمام کتب منزل آسمانی یکصد و چهار اند که از آنجمله چهار کتاب مشهور و صد صحیفه اند.

چهار کتاب مشهور:

۱ - تورات.

۲ - زبور.

۳ - انجیل. ۴ - قرآن عظیم الشان.

تورات به حضرت موسی علیه السلام ، زبور بحضرت داؤد علیه السلام انجیل بحضرت عیسی علیه السلام، قرآن عظیم الشان بحضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده اند.

و صد[1] صحیفه قرار ذیل به انبیاء علیهم السلام نازل گردیده اند :
ده صحیفه به حضرت آدم علیه السلام ، و پنجاه صحیفه بحضرت شیث علیه السلام وسی صحیفه به حضرت ادریس علیه السلام و ده صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شده اند.

ایمان و باور داشتن به تمام کتابها و صحیفه هائیکه از طرف الله (ج) نازل شده بدون کدام فرق ضروری و لازمی است وقرآنکریم ناسخ جمله کتابها وصحیفه های سابقه است وعمل تنها به قرآنکریم کرده میشود .

---

(1) نبراس صفحه ۷۹ - ۸۰

قرآنکریم

قرآنکریم[1] در اصطلاح شرع شریف کلام خداوند «ج» است که از طرف الله «ج» بواسطهٔ حضرت جبرئیل علیه السّلام بر حضرت محمّد صلی الله علیه وسلّم نازل گردیده در مصاحف نوشته کرده شده و در دلها حفظ گردیده و بطریقهٔ تواتر بدون شک و شبهه بما رسیده .

کلام یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» است و قرآن مجید کلام

---

(۱) قرآن در لغت : قرآن در لغت به دو معنی آمده است اول بمعنی ضم وجمع درینصورت قرآن (مصدر مبنی للفاعل) بمعنای جمع کنندهٔ سورت ها است . دوم بمعنای قرائت درینصورت قرآن (مصدر مبنی للمفعول) بمعنای خوانده شده و تلاوت کرده شده میباشد .

نفسی خدا «ج» وقایم به ذات او تعالی است. ولی کلمه هائیکه ما آنرا بزبان می آوریم و نقش هائیکه بروی صفحه کاغذ نوشته و یا چاپ میشود و یا کلمه هائیکه از قرآن مجید بگوش خود می شنویم مخلوق بوده و کلام نفسی خداوند «ج» نیستند زیراکه کلام نفسی صفت خداوند «ج» بوده و قدیم است .

ترتیب نزول قرآنکریم

قرآن کریم ابتدا از لوح محفوظ بآسمان دنیا در شب قدر مجموعاً نازل گردیده و از آسمان دنیا نظر بضرورت قطعه قطعه در ظرف ۲۳ سال بواسطهٔ جبرئیل علیه السّلام بر محمّد صلی الله علیه وسلم نازل شده است . آیت هائیکه قبل از هجرت نازل گردیده آنرا آیت های مکی وآیت هائیکه بعد از هجرت نازل شده آنرا آیت های مدنی میگویند .

تمرین

۱ - کتابها و صحیفه های آسمانی توسط کدام ملک بر پیغمبران نازل گردیده ؟

۲ - تعداد تمام کتابها و صحیفه های آسمانی چند است ؟

۳ - چهار کتاب مشهور آسمانی را نام بگیرید.

۴ - قرآن کریم را تعریف کنید.

مشرک، ملحد، منافق، زندیق، مرتد، دهری

مشرک :

مشرک آنرا گویند که با خدا ج، چیزی را در ذات یا صفات
او شریک نماید .

ملحد :

ملحد آنرا گویند که از دین حق به کفر میلان نموده باشد .

منافق :

منافق آنرا گویند که به زبان اظهار اسلام را نماید
و بدل کافر باشد .

زندیق[1] :

زندیق آنرا گویند که منکر وجود یا حکمت ذات واجب الوجود بوده یا برای او تعالی شریک ثابت کند و یا به بقای دهر قائل. اموال و ناموس مردم را شریک پنداشته به آن معتقد باشد ولی این عقیدهٔ خویش را پنهان نموده در ظاهر مدعی اسلام و در جامهٔ مسلمین خود را مخفی مینماید.

---

(۱) اگر مسلمان خدا ناخواسته زندیق گردد اگر خود باختیار خویش مسلمان گردد بدون آنکه مسلمانان او را بگیرند ایمان بیاورد درینصورت توبه اش مقبول و مؤمن است احکام اسلام بالایش جاری میگردد درصورتیکه خود مسلمان نشده باشد مسلمانان او را بگیرند و بعد از دستگیر شدن توبه نماید توبهٔ چنین شخص قبول نیست باید کشته شود. ناگفته نماند توبهٔ این چنین اشخاص در امور دنیوی قابل قبول نیست اما در امور اخروی نزد خداوند تعالی این توبه هم مقبول است درصورتیکه از اخلاص قلب باشد.

مرتد :

مرتد کسی است که قبلاً مسلمان بوده از دین اسلام برگردد .

دهری :

دهری کسی را گویند که به حقانیت اسلام قائل نبوده وجود اشیاء را به علل مادی نسبت داده و از وجود صانع مختار منکر باشد .

تمرین

۱ - مشرک را تعریف نمائید ؟
۲ - ملحد کدام شخص را میگویند ؟
۳ - مرتد را تعریف نمائید ؟
۴ - زندیق را تعریف نمائید ؟

قصه

برای صنف پنجم

بسم اللہ الرحمن الرحیم

فہرست مضامین فقہ

نماز قضائی

قضاء : قضاء عبارت است از تسلیم نمودن مثل شی لازم شده به مستحقش مثلاً خواندن نماز بعد از وقتش.

قضائی نماز فرض، فرض، از واجب، واجب و از بعضی سنت ها سنت است

ترک نمودن فرض ویا واجب بدون کدام عذر شرعی گناه بزرگ است اگرچه قضائی آن آورده شود و حکم سنت مؤکده قریب واجب است

اگر به فراموشی و یا خواب از شخص مکلف نماز قضا شود بعد از بیداری و به یاد آمدن بدون درنگ قضائی آنرا بجا آورد معطل نمودن قضائی بدون معذرت شرعی گناه دارد .

اگر سنت نماز صبح با فرض آن یکجا قضا شده باشد قضائی
هر دو قبل از زوال خوانده می شود و بعد از آن سنت صبح قضائی
ندارد تنها فرض خوانده می شود و اگر سنت صبح بدون فرض قضا
شده باشد خواندن آن قبل از طلوع آفتاب مکروه و بعد
از آن مکروه نیست .

نیت نماز قضاء : نیت کرده ام که بجا آرم . قضائی نماز صبح
یا قضائی نماز عصر فلان روز را . هرگاه از کسی نماز های
بسیار قضا شده باشد برای او اینچنین نیت کردن که : من قضائی

ترتیب دو بین نماز قضائی و وقتی و همچنان ترتیب بین نماز های قضائی لازم است . در حالات ذیل ترتیب ساقط میگردد : ۱. به تنگی وقت
۲. فراموشی ۳. رسیدن تعداد نماز های فوتی بشش ، پس اگر ادا کند فرض نماز را یاد دارنده نماز
فوتی اگرچه وقتی وتر باشد فرض او فاسد میشود به فساد موقوف یعنی به برآمدن وقت نماز
پنجم از نماز هاي كه خوانده باشد پس از تمام فوتی که آنرا بیاد دارد صحیح میشود تمام نماز های او .

نماز صبح یا قضائی نماز عصر را میخوانم درست نیست .
مگر برای آسانی به این قسم نیت کرده می تواند که : نیت
کرده ام که بجا آرم نماز اول عصر یا نماز آخر عصر را که قضاء آن
برمن لازم است .

تمرین

۱ - قضاء چه را گویند ؟
۲ - قضائی نماز فرض چه حکم دارد ؟
۳ - ترک نمودن فرض ویاواجب بدون کدام
عذر شرعی چه حکم دارد؟
۴ - نیت نماز قضاء چطور کرده می شود ؟
۵ - اگر از کسی نماز های بسیار قضا شده باشد
چه قسم نیت کند ؟

نماز خوف

خوف به معنی ترسیدن است و نماز خوف عبارت است از
نمازیکه در وقت سختی ترس از دشمن یا از درنده وغیره
بطریق خاص ادا کرده میشود .

ترتیب نماز خوف : یکتعداد از مجاهدین در مقابل دشمن
ایستاده شوند و تعداد دیگر با امام یک رکعت نماز را ادا
نمایند در صورتیکه نماز دورکعتی باشد و دو رکعت را ادا کنند
در صورتیکه نماز چهار رکعتی یا نماز شام باشد این مجاهدین در
مقابل دشمن پهره نمایند و آن تعداد یکه در پهره داری بودند به
عقب امام اقتدا نمایند و امام باقیماندهٔ نماز را با ایشان ادا کند
در آخر امام تنها سلام دهد و این تعداد به پهرهٔ خویش دوباره
برگردند و جماعت اولی پهره را ترک گفته باقیماندهٔ نماز خویش را
ازینکه لاحق اند به تنهائی بدون قرائت ادا نمایند و بعد در مقابل

دشمن بهره نمایند جماعت دوم باقیماندهٔ نماز خویش را به تنهائی با قرائت ادا کنند زیرا که ایشان مسبوق اند واگر ترس وبیم از دشمن زیاد شد در این صورت نماز را در حالت سوار بودن به هر طرفیکه قدرت پیدا کنند به اشاره ادا نمایند .

نوت :

۱ - نماز خوف بدون حضور دشمن روا نیست .

۲ - حمل سلاح در وقت ادای نماز خوف مستحب است .

۳ - اگر در داخل نماز با دشمن جنگ نمایند نماز ایشان فاسد میشود .

تمرین

۱ – نماز خوف عبارت از کدام نماز است ؟

۲ – ترتیب نماز خوف چطور است ؟

۳ – آیا نماز خوف بدون حضور دشمن رواست ؟

۴ – آیا حمل سلاح در وقت ادا، نماز خوف جواز دارد ؟

۵ – اگر در نماز با دشمن جنگ نمایند حکم آن نماز چیست ؟

نماز کسوف و خسوف

کسوف تاریک شدن آفتاب و خسوف تاریک شدن مهتاب رامیگویند.

هرگاه تمام یا قسمتی از آفتاب تاریک شود و در روشنی آن نقصان آشکار رخ دهد سنت است که امام جمعه به مردم دورکعت نماز را بجماعت بدون اذان، اقامت، جهر و خطبه در اوقات غیر مکروهه ادا نماید و دراز کردن قرائت، رکوع ها سجده و ادا نمودن آن در مسجد جامع یا عیدگاه مستحب است پس از نماز امام دعاء نماید و مردم آمین گویند تاکه آفتاب روشن گردد. اگر امام جمعه حاضر نبود نماز را تنهایی ادا نمایند.

اگر تمام یا قسمتی از ماه خسوف (ماه گرفتگی) شود و در روشنی آن

نقصان آشکار رخ دهد سنت است که مردم بدون جماعت
در هر جائیکه قدرت داشته باشند دو دو رکعت نماز
بگذارند .
مانند نماز تاریکی سخت روز و وزیدن باد شدید .

تمرین

۱ - کسوف و خسوف را تعریف نمائید .
۲ - حکم نماز کسوف را بیان دارید .
۳ - نماز خسوف کدام نماز را گویند ؟
۴ - طریقهٔ اداء نماز خسوف را واضح نمائید .

نماز استسقاء

استسقاء در لغت بمعنی طلب کردن آب از غیر و در شریعت طلب

کردن باران از الله جل جلاله بطریق خاص — (نماز خواندن

واستغفار وغیرهم) است .

هرگاه در یک جای خشک سالی وقحطی رو دهد مستحب است

که مسلمانان آن جای تا سه روز برای استسقاء در لباسهای

کهنه و پیوندی باخشوع ، تواضع وتقدیم صدقات بصحرا برایند

ونیز مستحب است که جهت جلب رحمت خدا جل جلاله سال

خورد گان ، اطفال و چارپایان را باخود به صحرا ببرند .

ترتیب نماز استسقاء : بنزد امام اعظم رحمته الله علیه

انیست که امام ومردم بدون جماعت دو دو رکعت

نماز ادا نمایند وپس از نماز امام رو به قبله

ایستاده ومردم رو بروی قبله نشسته باشند وتماماً

دستهای خویش را به دعاء[1] بلند نموده و با دعاء امام مردم آمین گویند .

نوت :

۱ - اهل ذمه را با خود از رفتن منع نمایند .

۲ - در مکهٔ مکرمه اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مسجد حرام و در بیت المقدس در مسجد اقصیٰ و در مدینه منوره در مسجد نبوی صلی الله علیه وسلم کرده شود و چارپایان بدروازه های مساجد مذکور ایستاده کرده شوند .

---

(۱) دعاء استسقاء : اللّهم اسقنا غيثاً مغيثاً مريئاً مريعاً نافعاً غير ضارٍ عاجلاً غير آجلٍ

وهمچنین : اللّهم اَسْقِ عبادَك وبهائِمك وانشر رحمتك وَاَحْيِ بلدك الميّت

تمرین

۱ - استسقاء درلغت وشریعت عبارت ازچه است ؟

۲ - نماز استسقاء در مذهب امام اعظم (رح) بکدام ترتیب ادا کرده می شود ؟

۳ - آیا اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مکه مکرمه جای معین دارد ؟

نماز تهجّد

تهجد در لغت به معنی شبخیزی و در شرع شریف نمازی است که بعد از نماز خفتن و پس از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق ادا کرده میشود .

نماز تهجد مستحب است . حد اقل آن دو رکعت و اکثر آن هشت رکعت است و بعضی علماء گفته اند که حد اقل آن هشت رکعت میباشد و اکثر آن اندازه ندارد .

وقت نماز تهجّد : پس از نماز خفتن و بعد از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق است .

نماز تهجد خاص بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرض بوده و پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند[1] : بزرگان امت من بردارندگان قرآن و یاران شب اند یعنی کسانیکه قرآن کریم را حفظ کرده اند و آنرا تلاوت

---

[1] عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : اشراف امتی حملة القران واصحاب اللیل
مشکوة ص ۱۱۰

میسنمایند و نماز تهجد را ادا میکنند از جملهٔ
بزرگان امت من شمرده می شوند .

تمرین

۱ - معنی لغوی وشرعی تهجد را تشریح نمائید .
۲ - حکم نماز تهجد چیست ؟
۳ - وقت نماز تهجد کدام قسمت شب است ؟
۴ - حداقل وحد اکثر نماز تهجد را بگوئید .

نماز استخاره

استخاره در لغت بمعنی طلب خیر و نیکی است.

و در شریعت دعائی[1] است که بعد از دو رکعت نماز نفل خوانده میشود.

استخاره برای کاری میباشد که شخص اراده آنرا در زمان آینده داشته باشد. تا خداوند ج، خیر یا شر بودن آنکار را برایش القا نماید.

---

(1) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِیْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَیْرٌ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ اَوْ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَاٰجِلِهٖ فَاقْدِرْهُ لِیْ وَیَسِّرْهُ لِیْ ثُمَّ بَارِكْ لِیْ فِیْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ اَوْ فِیْ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَاٰجِلِهٖ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْنِیْ عَنْهُ وَاقْدِرْ لِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ كَانَ ثُمَّ اَرْضِنِیْ بِهٖ.

طریقهٔ نماز استخاره :

هرگاه شخص مؤمن ارادهٔ کاری را داشته باشد و در آن متردد باشد طریقه مسنون است که بعد از ادای دو رکعت نفل دعای استخاره را قرائت نماید و زمانیکه به لفظ (هٰذَا الْأَمْرَ) می رسد مقصد خویش را عوض لفظ اَلْاَمْر بگوید یا در دل تصور نماید و مستحب است که دعاء استخاره را به حمد و درود آغاز و ختم نماید واستخاره در کارهای مباح است نه در کارهای گناه و در عبادات بعضی اوقات جهت تعین وقت استخاره کرده میشود .

تمرین

۱ - استخاره درلغت وشریعت عبارت ازچه است ؟

۲ - استخاره برای چه نوع کارکرده میشود ؟

۳ - طریقهٔ نماز استخاره رابگوئید .

نماز تسبیح

تسبیح در لغت خدا (ج) را بپاکی یاد کردن است .

و نماز تسبیح عبارت از چهار رکعت نماز نفلی است که در آن

سُبحَانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر

سه صد مرتبه به دو طریق[1] خوانده میشود .

پاورقی

(1) **طریق اول نماز تسبیح :** چهار رکعت نماز را نیت نموده و بعد از ثنا کلمات مذکور را پانزده مرتبه بگوید و نیز بعد از قرائت پیش از رکوع ده مرتبه همچنان در رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول ، جلسه ، سجدهٔ دوم ده ده مرتبه کلمات مذکور را بگوید چون در سه رکعت بعدی ثنا و اعوذ بالله نیست پس در شروع هر یک رکعت کلمات مذکور را پانزده مرتبه و در ختم قرائت ، رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول جلسه و سجدهٔ دوم ده ده مرتبه مثل رکعت اول خوانده شود که بدین ترتیب در هر رکعت (۷۵) مرتبه و در چهار رکعت سیصد مرتبه میشود

نوت : بنزد بعضی علماء رکعت سوم نیز مانند رکعت اول خوانده می شود ←

← طریق دوم نماز تسبیح : در رکعت اول پس از قرائت کلمات مذکور را پانزده مرتبه بخواند و پس از آن در رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول ، جلسه و سجدهٔ دوم و پس از سجدهٔ دوم در حالت نشسته ده ده مرتبه آنرا بخواند همچنان در سه رکعت بعدی قرار فوق مجموع خواندن کلمات مذکور در هر رکعت ۷۵ مرتبه می شود

این هر دو طریق که قبلاً بیان کرده شد در کتاب های احادیث ذکر شده است مگر بهتر طریق اول است . و بعضی علما میگویند که بهر دو ترتیب در اوقات جداگانه خوانده شود .

و در حدیث شریف فضیلت صلوٰة تسبیح بیان کرده شده است . نبی علیه السلام این نماز را به عم خود حضرت عباس (رض) تعلیم نموده و فرموده بودند که خدا (ج) بسبب این نماز گناهان اول ، آخر ، ظاهر ، باطن ، جدید ، قدیم ، خطا ، عمد ، صغیره و کبیره ، پنهان ، و آشکار ترا مغفرت مینماید .

تمـــرین

۱ ـ معنی لغوی تسبیح را بگوئید .

۲ ـ نماز تسبیح چند رکعت است ؟

۳ ـ در نماز تسبیح کدام کلمات سیصد مرتبه خوانده میشود ؟

تعریف روزه و حکم آن

روزه بنای سوم اسلام است که فرضیت آن به قرآنکریم ثابت شده است .

تعریف روزه : روزه عبارت است از ترک خوردن نوشیدن و جماع به نیت روزه از صبح صادق تا غروب آفتاب .

حکم روزه : بگرفتن روزه ثواب و رضای خداوند(ج) حاصل از ذمهٔ مکلف ساقط میشود و بترک آن عذاب است و منکر آن کافر میگردد .

فضیلتهای روزه

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث شریف فرموده اند : بوی دهان روزه دار بنزد خدا(ج) از خوشبوئی مشک خوشبوتر است .

همچنین الله(ج) در حدیث قدسی فرموده است : روزه خاص از برای من است و خودم اجر او را میدهم .

در حدیث دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : هرکه
از روی عقیده وطلب ثواب روزهٔ ماه مبارک رمضان
را ادا نماید گناهان گذشتهٔ وی مغفرت کرده می شود
همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : برای روزه دار
دو خوشی است یکی در وقت افطار و دیگری در وقت
ملاقات با پروردگارش .

دیدن ماهٔ رمضان

شب سی شعبان در وقت غروب آفتاب طلب دیدن ماهٔ
رمضان واجب کفائی است .
اگر ماه رمضان دیده شود روزه گیرند و در غیر آن روزه نیست
و اگر آسمان ابر یا غبار آلود باشد . گواهی یک شخص عادل

خواه مرد باشد یا زن کافی است و در حالت صاف بودن آسمان
گواهی جماعت[1] عظیم ضروری است و در عیدین درصورتیکه
آسمان صاف نباشد. گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن که عادل
باشند شرط است. و اگر آسمان صاف باشد مانند رمضان گواهی
جماعت عظیم ضروری است.

نوت : درصورتیکه شب سی شعبان به آسمان ابر یا
غبار باشد با وجود سعی در دیدن ماه، ماه دیده نشد مستحب است
که فردای آن تا قبل از زوال امساک نماید. اگر کدام
اطلاع معتبر شرعی رسید بالفور نیت روزه نموده و در غیر آن روزه
گرفتن لازم نیست و اگر کسی به دیدن ماه رمضان گواهی داد
و گواهیش را قاضی قبول نکرد روزه داشتن تنها بروی واجب است

(۱) بعضی علماء آنرا پنجاه مرد گفته اند.

ودرصورت افطار بروی قضائی است نه کفاره .

معذرتهای شرعی افطار روزه

۱ - ترس زیادت مرض : اگر مریض بگمان غالب خویش از روی تجربه یا به گفته طبیب حاذق مسلمان که فسق آن آشکار نباشد از زیادت مرض خویش میترسد برای او جائز است که روزه را افطار کند و در وقت صحت قضائی آنرا بگیرد .

۲ - خوف نقصان حمل (طفلیکه درشکم باشد) : اگر زن حامله می ترسید که روزه گرفتنش به طفلیکه درشکم دارد ضرر می رساند روزه را افطار نموده و درآینده قضائی آنرا بگیرد .

۳ - اگر شیر دهنده برخود یا طفل شیر خوار خویش از روزه گرفتن احساس ضرر میکرد روزه را افطار

نماید و باز قضائی آنرا بگیرد .

۴ ـ سفر : اگر کسی مسافر بود بسفر شرعی درصورتیکه نیت همان روز رانکرده باشد جائز است که روزه را افطار نماید و قضائی آنرا بیاورد . لیکن اگر برای مسافر روزه گرفتن دشوار نباشد بهتر است که روزه بگیرد .

۵ ـ شیخ فانی بودن : شخص کلان سالیکه توان روزه را ندارد و در آینده نیز امید قدرت آنرا نداشته باشد وبیماریکه امید صحت آنرا نداشته باشد رواست که افطار نماید و در بدل هر روز آن فدیه (خورد کم یکچارک گندم یانیم پاو کم نیم سیر جو یا قیمت هریکی از آنها) بدهد .

نوت : اگر شیخ فانی یا مریض در آینده به روزه گرفتن قادر شد قضائی بیاورند و اگر قبلاً فدیه داده باشد فدیهٔ مذکور نفل میگردد .

۶ - گرسنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر روزه دار آنچنان گرسنه شد که ترس مرگ او بود روا است روزه را افطار و باز قضائی بیاورد .

۷ - تشنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر کسی بجدی تشنه شد که از آن ترس مرگ باشد روا است روزه را افطار و آنرا قضائی بیاورد

۸ - اکراه (برکسی کاری را بزور کردن) : اگر کسی بافطار روزه مجبور کرده شود روا است روزه را افطار کند و قضائی آنرا بیاورد .

۹ - جهاد : مجاهدیکه در مقابل دشمن قرار دارد وعلم داشته باشد که جنگ با دشمن اسلام واقع میشود پس بسبب خوف ضعفش در مقابل دشمن روا است که روزه را افطار نماید و باز قضائی آنرا بیاورد

شکننده های روزه

دو قسم اند :

الف ـ آنکه تنها قضائی روزه لازم می شود .

ب ـ آنست که قضائی و کفاره هر دو لازم می شود .

الف : شکننده هائیکه موجب قضائی اند قرار ذیل اند :

۱ ـ شکستاندن روزه در صورت اکراه .

۲ ـ تیر شدن آب در وقت مضمضه بدون قصد در حالیکه روزه را بیاد دارد .

۳ ـ قصداً اعاده (فرو بردن) قی .

۴ ـ قصداً به پری دهن قی نمودن .

۵ ـ خوردن سنگریزه ، و یا چیزیکه ماهیت غذائی نداشته باشد .

۶ - فرو بردن آن چیزی که در دندانها باشد بعد از کشیدنش بزبان اگر برابر دانهٔ نخود یا زیاده از آن باشد

۷ - چکانیدن روغن و یا تیل در گوش که بدماغ برسد.

۸ - فرو بردن خون دهن که بر آب دهن غالب باشد .

۹ - قصداً خوردن و نوشیدن در آنصورتیکه بفراموشی چیزی را خورده باشد به گمان اینکه روزهٔ وی افطار شده است

۱۰ - سحری نمودن به گمان اینکه هنوز شب است مگر در حقیقت صبح دمیده باشد .

۱۱ - قصداً خوردن روزهٔ غیر رمضان .

۱۲ - افطار نمودن در روزهای ابر و غبار به گمان اینکه آفتاب غروب نموده است مگر بعداً ثابت شد که روز باقی است .

ب : شکننده هائیکه قضا وکفارت را لازم مینماید قرار ذیل اند :

۱ - بقصد خوردن و نوشیدن غذا و دوا در روز رمضان مبارک که نیت روزه را کرده باشد . قضا و کفاره هر دو را لازم مینماید (درصورتیکه عذر معقول نداشته باشد) .

۲ - در محل مشتهی قصداً جماع کردن بر فاعل و مفعول قضا وکفارهٔ هر دو را لازم مینماید .

قضائی روزه

بر شخصیکه قضائی روزه لازم شد بدون ایام[1] ممنوعه هر وقتیکه قضائی آنرا بیاورد جائز است . مگر بهتر آنست که بدون عذر تأخیر در قضا نه نماید .

اگر بر ذمهٔ کسی قضاء روزهٔ رمضان سابق باشد و رمضان دیگر رسید اولاً روزهٔ وقتی را اداء نماید و بعد از گذشتن[2] آن قضائی را بگیرد و مسافر ازین حکم مستثنی است .

اگر کسی روزهٔ نفلی را شروع کرد و آنرا فاسد نمود قضائی آن واجب است .

---

(۱) روز اول عید فطر و عید اضحی و سه روز ایام تشریق (یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذوالحجه)

(۲) در بین روزه های قضائی تتابع (پی در پی گرفتن) شرط نیست .

اگر در روز رمضان مبارک صغیر، بالغ و کافر مسلمان شد در باقی حصهٔ آن روز امساک نمایند وقضائی آن روز بر آنها لازم نیست .

اگر قضائی روزه بر ذمهٔ کسی باقی بود و فوت شد درصورت وصیت ادای فدیهٔ آن از مال وی بر ورثه لازم است و درصورت عدم وصیت اگر ولی از مال خود تبرّعاً فدیه وی را ادا نماید جائز است و امید میشود که خداوند (ج) آنرا قبول نماید .

کفارهٔ روزه

کفارهٔ روزه به ترتیب ذیل اداکرده میشود :

اول : آزاد نمودن غلام یاکنیز .

دوم : درصورت نبودن غلام وکنیز دو ماه پی در پی روزه گرفتن .

سوم : اگر طاقت روزه گرفتن دو ماه رانیز نداشته باشد شصت مسکین را دو وقت شکم سیر طعام دادن ویا بهریک از شصت مسکین فدیهٔ[1] کامل یک یک روزه یا قیمت آنرا پرداختن .

---

(۱) فدیهٔ یک روزه با فدیهٔ صدقهٔ فطر در مقدار فرق ندارد .

تمرین

۱ - روزه را تعریف نمائید.

۲ - حکم روزه چیست ؟

۳ - فضیلت های روزه را بگوئید.

۴ - اگر آسمان صاف باشد برای ثبوت دیدن ماه رمضان مبارک گواهی چند نفر ضروری است ؟

۵ - برای مجاهد کدام وقت افطار روزهٔ رمضان جائز است ؟

۶ - شکننده های روزه چند قسم اند؟ هریک آنها را تعریف نمائید؟

۷ - اگر بر ذمهٔ کسی قضائی روزهٔ رمضان سابق باشد و رمضان دیگر رسید چه کند

۸ - قضا آوردن روزه در کدام ایام جائز نیست ؟

۹ - ترتیب کفارهٔ روزه را شرح نمائید.

اعتکاف

اعتکاف در لغت بمعنی حبس و در نگ کردن است و در
شریعت عبارت است از در نگ کردن به نیت اعتکاف
با روزه داشتن در مسجدی که در آن پنجوقت نماز بجماعت
خوانده میشود . و اعتکاف سه قسم است : واجب
سنت ، مستحب .

۱ - اعتکاف واجب : آن اعتکاف را گویند که شخص آنرا
برنفس خویش نذر نماید مثلاً شخصی نذر نمود که من خاص برای خدا (ج)
سه روز اعتکاف می نشینم یا بگوید اگر فلان حاجت من روا گردد
من برای خدا (ج) دو روز اعتکاف مینمایم که این اعتکاف را اعتکاف
نذری هم میگویند .

۲ - اعتکاف سنت : آنست که در ده روز آخر رمضان

مبارک معمول میباشد (که از وقت غروب آفتاب روز
بیستم ماه مبارک رمضان شروع وبمجرد دیدن ماه عیدفطر
تمام میشود) و این اعتکاف سنت مؤکد کفائی است
(به کردن بعضی اهل قریه از ذمهٔ دیگران ساقط میشود) .
۳ - اعتکاف مستحب : بجز اعتکاف واجب وسنت دیگر
تمام اعتکافها مستحب است

شرایط صحت اعتکاف :

۱ - اسلام .
۲ - پاکی زن ازحیض ونفاس .
۳ - عقل .
۴ - نیت

۵ - مسجد برای مردان .

۶ - روزه .

نوت :

زنان درخانه های خویش درجائیکه برای نماز انتخاب نموده اند اعتکاف نمایند و پاکی از جنابت شرط شروع اعتکاف است نه دوام آن زیراکه اگر در اعتکاف محتلم میشوند غسل نموده واعتکاف را دوام میدهند مگر حیض ، نفاس وجماع اعتکاف را فاسد مینمایند .

تمرین

۱ - اعتکاف را تعریف نمائید .

۲ - اعتکاف بچند قسم است هر یک را نام بگیرید ؟

۳ - شرایط صحت اعتکاف را شرح دهید .

شهید

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۝

ترجمه: و مرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا (ج) بلکه زنده اند به نزد پروردگار خویش روزی داده میشوند

تعریف شهید: شهید در لغت بمعنی شاهد[1] و حاضر است و در شریعت عبارت است از کسیکه:

الف: کشته باشد او را کافران

---

(۱) جهت حضور او به نزد پروردگار خویش و یا شهید بمعنی مشهود است ازینکه برایش شهادت به جنت داده شده است و یا ملائک در وقت مرگش برای عزت و اکرام او حاضر می باشند.

ب : یافته شده باشد در میدان جنگ و بر بدن وی نشانهٔ
قتل (زخم، بر آمدن خون از جائیکه عادتاً از آنجا خون
خارج نشود) باشد.
ج : قتل نموده باشد او را مسلمان ظلماً ولازم نشده باشد
به قتل وی در اول وقت دیة.
حکم شهید : کفن کرده شود در لباس و خون خویش
وآنچه در بدن او از جنس کفن نباشد مثل سلاح، موزه وغیره
کشیده شود وزیاد کرده شود در کفن او اگر از اندازهٔ سنت
کم باشد و کم کرده شود اگر زیاد باشد غسل داده نشود نماز جنازه بروی
خوانده شود.
غسل داده شود اگر در حالات ذیل کشته شده باشد :
جنابت، حیض، نفاس، صغارت، دیوانگی، زنده نقل
داده شده باشد از میدان جنگ، وصیت کرده باشد

چیزی را خورده یا نوشیده باشد، تداوی کرده باشد،
بگذرد بروی وقت یک نماز و هوشیار باشد،
خرید و یا فروش کرده باشد، زیاد سخن گفته باشد(۱) .

---

(۱) و تاخیر مذکور در جریان جنگ واقع نشده باشد اگر در جریان جنگ واقع
شده باشد غسل داده نمیشود . واگر در شهر مقتول یافته شد و معلوم نباشد که ظلماً به
آله جارحه کشته شده یا به حد و قصاص درینصورت برای او غسل و نماز جنازه هر دو است

تمرین

۱ - شهید را تعریف نمائید .

۲ - حکم شهید را شرح نمائید .

۳ - به شهید در کدام حالات غسل داده می شود ؟

طبع چهارم

سال طبع سنبله ۱۳٦۸ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)
مدیریت نصاب مرکز تعلیمی